

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم استاد بزرگووارم لطفا مرا راهنمایی بفرمایید تا روابطم را با پدر و مادرم بهبود ببخشم. پدرم رابطه ی پدر و فرزندی را برای خودشان یکطرفه تعریف کرده اند از اینرو نمی توانم خیلی به ایشان نزدیک شوم و احساساتم را بروز دهم. یا مانند هر دختری برای پدرش باشم. البته بنده هم عیوب اخلاقی بیشماری دارم اما فکر می کنم خشونت و خشکی و برخورد دستوری ایشان مرا از مهربانی مورد دلخواهم باز داشته است. با چند جمله بحث کردن (مباحثه کردن در اصطلاح طلبگی) فوراً آتش خشمشان فوراً می کند. از استلال گفتن به شدت امتناع می کنند و توضیح خواستن از ایشان جرم است و مجرم مستحق بدترین قهرها. انتظار شنیدن کلمه چشم را دارند. مادرم هم کمکی در بهبود این رابطه نمی کنند. من فکر میکنم حتی التیام نیافتن آن تا حدود زیادی به گردن مادرم است. چون با همراهی نکردنشان، نافرمانی ها و مخالفت کردن در هر امری، زمینه تشدید این اخلاق سیئه پدرم رافراهم کردند. روی غیر گشاده و چهره غیر خندان، متأسفانه ملکه پدرم شده است. من می ترسم ایشان مثل سعد، صحابی رسول الله دچار ضیق قبر باشند البته بیشتر از آن برای خودم می ترسم. من با خرد شدن خودم در مقابل پدر مشکلی ندارم کما اینکه تقریباً در تمام موارد کدورت ها، بنده پیش قدم عذرخواهی بودم اما حقیقتاً اصلاح قبر و قیامت ایشان را خواستارم وگرنه چشم گفتن چند روز دنیا تا قبل از رفتن به خانه بخت(!) بسی سهل است و آسان. اما دوست دارم مشکل ریشه ای حل شود. با تشکر از پاسخ شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: شما وظیفه دارید به والدین خود احترام بگذارید و وقتی می‌بینید زمینه نیست با پدرتان بحث نکنید و به مادران هم بدبین نباشید. بگذارید زندگی‌شان را بکنند و شما در زیر سایه‌ی زندگی آن‌ها به کار خود ادامه دهید. اصلاً کاری نکنید که موجب کدورت پدرتان باشد تا بخواهید بعداً عذرخواهی کنید. موفق باشید